

مشارکت اجتماعی زنان در وضعیت جامعه سنتی و توسعه یافته (مطالعه موردی ایران)

پیروز هاشم پور

دانشجوی دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

چکیده

مشارکت در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو آن را محور زندگی سیاسی قرار داده است . و در امر خطیر مشارکت اجتماعی، زنان بعنوان نیمی از پیکره اجتماع محسوب می شوند و هر جامعه ای که بخواهد نسلی بارور و پویا در زمینه های فرهنگی اجتماعی و سیاسی تربیت کند نیازمند نیروی عظیم مادران و زنان می باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و به شیوه تحقیق کتابخانه ای بدنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که مشارکت اجتماعی زنان در جامعه ایران در مقایسه با جوامع توسعه یافته و از دیدگاه فرهنگهای گوناگون بشری چگونه می باشد ؟ و در پاسخ به این سوال فرضی باید گفت دیدگاه اولیه و اصلی در قریب به اتفاق کشورها و فرهنگها از دوران باستان حاکی از ضعیفه بودن زن و موجودی که مقید به دستورات مرد خانواده بوده و بعنوان شخصیتی حقیقی در بدنه اجتماع دارای نقش خاصی نبوده است. کم کم بر اثر ترقی و پیشرفتهای علمی و فرهنگی و احساس نیاز به جنس دوم در جهت سرعت بخشی به امر توسعه و نوسازی جوامع توجه به زن از انقلاب صنعتی شروع شد و منجر به دادن حق رای به آنان در قرن بیستم گردید. در این میان در جامعه ایران زن در محیط پدرسالاری رشد کرده که متأثر از فرهنگ قبیله ای و پاتریمونیالسم تحت سیطره مرد خانواده بعنوان نان آور خانه بوده و به دلیل فرهنگ و تعصبات و سنت های قدیمی مبنی بر ضعیفه بودن زن عملاً از مشارکت در اجتماع و سیاست محروم بوده ولی در سالهای اخیر بسمت احقاق حقوق خود گامهای ضعیفی برداشته اند.

کلمات کلیدی: مشارکت، زنان، ایران، سنتی، توسعه یافته